

## مقدمه

|         |                                      |
|---------|--------------------------------------|
| ۷.....  | سیره امام زین العابدین (علیه السلام) |
| ۷.....  | مقدمه                                |
| ۸.....  | برکرانه نیاز                         |
| ۱۰..... | خضوع و خشوع                          |
| ۱۱..... | بر ساحل آرامش و گذشت                 |
| ۱۴..... | دستگیری از افتادگان                  |
| ۱۸..... | میثاق امام                           |
| ۲۰..... | زالال احساس                          |
| ۲۳..... | نیکی به زیر دستان                    |
| ۲۹..... | صدقه صبحگاهی                         |
| ۳۰..... | ارشاد دیگران                         |
| ۳۲..... | گلبرگی از کرامات                     |
| ۳۲..... | ۱. ضامن آهوان رمیده                  |
| ۳۴..... | ۲. به سوی آفتاب                      |

۳. گواهی حجر الأسود..... ۳۵
۴. پیشوای مطاع..... ۳۷
۵. شرنگ انتقام..... ۳۷
۶. دو خورشید در زنجیر..... ۳۹
- برگی از دفتر آفتاب ..... ۴۲

## سیره امام زین العابدین علیه السلام

### مقدمه

امام سجاد علیه السلام، یادگار امام حسین علیه السلام و میراث دار او است. صفت پرستش و نیایش در سیره آن امام همام علیه السلام، صبغه‌ای پررنگ داشت. او چنان به راز و نیاز با معبود خویش، عشق می‌ورزید که به این صفت، ممتاز و بالنده شد.

در باره صفات و ویژگی‌های امام علی بن الحسین علیه السلام این گونه آمده است: «او زین العابدین و اسوه زاهدان و سرور پرهیزکاران و امام مؤمنان است. سیمای او نشان از آن دارد که از سلاله رسول خدا است و به مقام قرب الهی رسیده است. چین‌های روی صورتش نشان از زیادی نماز و عبادت او داشت. بی‌اعتنایی او به متاع دنیا، نشان از زهد او بود. اخلاق و تقوای والایی داشت و نور تأیید الهی در وجود او تابیده و او را هدایت ساخته بود.

## بر کرانه نیاز / ۹

سخن را سه بار تکرار کرد و او به این لقب مشهور گشت.<sup>۱</sup>  
امام هر شبانه روز، هزار رکعت نماز می خواند به  
گونه ای که گویا هنگام صبح از هوش می رفت و نسیم  
مانند کشتزار او را حرکت می داد.<sup>۲</sup>

**طاووس می گوید:** «مردی را در مسجد الحرام دیدم  
که در زیر ناودان نماز می خواند و دعا و گریه می کرد. وقتی  
نمازش را تمام کرد نزد او رفتم. او علی بن الحسین علیه السلام بود.  
به او گفتم: که تو دارای سه خصلت هستی که تو را از آتش  
ایمن می سازد؛ تو فرزند رسول خدایی؛ به شفاعت جدّت  
امیدواری؛ به رحمت خدایت امید داری. امام علیه السلام به من  
فرمود: ای طاووس! فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودن مرا ایمنی  
نمی بخشد زیرا خداوند می فرماید: «فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ  
وَلَا يَتَسَاءَلُونَ»<sup>۳</sup> «پس آن گاه که در صور دمیده شود در میانشان  
نسبت خویشاوندی وجود ندارد». شفاعت جدم نیز مرا ایمنی  
نمی بخشد. زیرا خداوند می فرماید: «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ  
أُتِضِيَ»<sup>۴</sup> «جز برای کسی که خدا رضایت دهد شفاعت نمی کند». و  
رحمت خدا نیز به من ایمنی نمی دهد زیرا خداوند  
می فرماید: «قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۵</sup> «خداوند به نیکوکاران  
نزدیک است». و من نمی دانم جزو نیکوکاران هستم یا نه»<sup>۶</sup>.

۱. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۷۴؛ اعلام الوری، ص ۲۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۹،

ص ۱۹۴. ۲. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۸۰.

۳. سورة مؤمنون، آیه ۱۰۱. ۴. سورة انبیاء، آیه ۲۸.

۵. سورة اعراف، آیه ۵۶.

۶. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۱۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۰۱.

## بر کرانه نیاز

امام با ذکر و عبادت انس دیرین داشت و به زینت عبادت  
آراسته بود و شب را مرکبی برای رسیدن به نعمت های  
آخرت قرار می داد. کرامات خارق العاده ای از او در تاریخ  
به ثبت رسید. القاب زیادی داشت که مشهورترین آنها  
زین العابدین، سید العابدین، زکی، امین و ذوالثغفات  
است اما به این سبب، زین العابدین لقب گرفت که شبی  
در محراب خویش به عبادت می پرداخت. شیطان  
به صورت ماری بزرگ بر او مجسم شد تا او را از  
عبادت باز دارد ولی امام توجهی به او نکرد. سپس  
او شست پای امام را به دندان گرفت و امام باز هم  
توجهی نکرد. هنگامی که نمازش تمام شد خدا حقیقت  
او را به امام نشان داد که او شیطان است. امام به او  
فرمود: «دور شو ای ملعون!» سپس به ادامه تعقیبات نماز  
خود پرداخت. پس صدایی شنید بدون اینکه گوینده آن را  
ببیند که به او می گفت: «تو زین العابدین هستی» و این

### خضوع و خشوع

مناقب و صفات پسندیده امام سجاد علیه السلام بسیار است. یکی از مناقب او این است که وقتی برای نماز، وضو می گرفت صورتش زرد می گشت. به ایشان می گفتند: «در هنگام وضو چه چیزی بر تو عارض می گردد؟» امام جواب می داد: «می دانید در مقابل چه کسی می خواهم بایستم؟»<sup>۱</sup>.

یکی دیگر از مناقب آن امام همام علیه السلام این است که وقتی راه می رفت چنان فروتن بود که دستش از ساق پای او جلوتر نمی رفت و دست خود را زیاد حرکت نمی داد و خشوع و آرامش بر او حاکم بود. هرگاه به نماز می ایستاد اضطراب و جودش را فرامی گرفت. به اطرافیان خود می فرمود: «می خواهم در برابر پروردگارم بایستم و با او مناجات کنم و این اضطراب و لرزش به این سبب است».<sup>۲</sup>

۱. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۱۰۸؛ عوالی اللالی، ج ۱، ص ۳۲۴.

۲. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۷۴؛ المناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۵۰.

### بر ساحل آرامش و گذشت

امام در برابر نامالیمات اطرافیان خویش، بردبار بود و هرگز به ایشان عتاب نمی کرد بلکه با آرامش، آنان را عفو می نمود. نوشته اند بین او و پسرعمویش حسن بن حسن اختلافی پیش آمد. روزی حسن بن حسن نزد امام زین العابدین علیه السلام آمد در حالی که امام همراه یارانش در مسجد بود. سپس حسن بن حسن با سخنانش امام را آزار داد ولی امام ساکت شد تا اینکه حسن از مسجد بیرون رفت. چون شب فرا رسید امام به منزل حسن بن حسن رفت و در زد. حسن در را باز کرد. امام به او گفت: «برادر! اگر در آنچه به من گفتی راست گو باشی خداوند مرا ببخشد و اگر در آنچه که به من نسبت دادی دروغ گو باشی خداوند تو را ببخشد. سلام و رحمت خدا بر تو باد». سپس از آن جا رفت. حسن به دنبال او آمد در حالی که گریه می کرد. امام دلش برای او سوخت. حسن به امام گفت: «به خدا قسم دیگر کاری نمی کنم که دوست نداشته

باشی». امام نیز به او فرمود: «من نیز تو را حلال کردم»<sup>۱</sup>.

امام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا جُمِعَ شَيْءٌ إِلَى شَيْءٍ أَفْضَلُ مِنْ حِلْمٍ إِلَى عِلْمٍ<sup>۲</sup>؛ به خدایی که جانم در دست اوست، قسم! دو چیز با هم جمع نشده اند که بالاتر از بردباری همراه با علم باشد». او در رفتارهای اجتماعی، بردباری را پیشه خود ساخته بود.

می فرمود: «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيْمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا إِيْمَانٌ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ<sup>۳</sup>؛ صبر [نسبت] به ایمان به منزله سر [نسبت] به بدن است. کسی که صبر ندارد ایمان ندارد». و نیز می فرمود: «روز قیامت منادی ای ندا می زند: اهل فضیلت برخیزند. در این هنگام جمعی پیش از آنکه در مقام محاسبه قرار بگیرند، بر می خیزند. به آنها گفته می شود: به سوی بهشت بروید!

فرشتگان که به آنها می رسند، می پرسند: به کجا می روید؟ می گویند: به بهشت. می پرسند: چگونه چنین شایستگی یافتید؟ می گویند: هرگاه [مردم] به ما نادانی برخورد می کردند، بردبار بودیم، اگر ستم می کردند، شکیباً بودیم و زمانی که به ما بدی می کردند، می بخشیدیم. بار دیگر منادی صدا می زند: صبرکنندگان برخیزند! می گویند: ما بر اطاعت از فرمان های خدا صبر کردیم

۱. همان.

۲. الخصال صدوق، ص ۵.

۳. همان.

و با شکیبایی خود را از گناه و نافرمانی باز داشتیم»<sup>۱</sup>.

نوشته اند روزی مردی از خوارج به حضرت دشنام داد. غلامان امام برخاستند تا از او انتقام بگیرند. امام فرمود: «آرام باشید!» سپس به آن مرد فرمود: «آنچه از ما نمی دانی، بیش تر از چیزی است که ظاهر است. آیا خواسته ای داری که آن را بر طرف سازیم؟» مرد خجالت کشید و سر به زیر انداخت. امام به غلام خود فرمود: «هزار درهم به او بده» همین کار سبب هدایت او شد<sup>۲</sup>.

نوشته اند: «هشام بن اسماعیل، امام سجاد علیه السلام را آزار می داد و بر منبر از علی علیه السلام بدگویی می کرد. وقتی ولید بن عبد الملك به حکومت رسید، او را عزل کرد و فرمان داد وی را برابر مردم نگاه دارند تا مردم هرچه بخواهند به او بگویند. هشام گفت: از کسی جز علی بن الحسین علیه السلام نمی ترسم». راوی می گوید: «گفتم علی بن الحسین علیه السلام مردی صالح است که گفتارش گوش داده می شود. علی بن الحسین علیه السلام فرزندانش را جمع کرد و آنان را از تعرض به وی باز داشت. حضرت خودش هم صبح برای حاجتی از منزل خارج شد و بدون اینکه به او تعرض کند، بر او گذر کرد. هشام بن اسماعیل با صدای بلند فریاد زد: خدا داناتر است که رسالت خود را کجا قرار دهد»<sup>۳</sup>.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۸۹.

۲. کشف الغمه، ص ۲۰۵؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۷۱؛ امالی مفید،

ص ۱۲۸.

۳. طبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۲۰؛ الارشاد، ج ۲، ص ۱۴۷.

رزق و روزی آنها از کجا می آید. وقتی که علی بن الحسین (علیه السلام) درگذشت آنچه را که امام شبانه برای آنها می آورد از دست دادند»<sup>۱</sup>.

**ابوحمره ثمالی** نیز می گوید: «امام زین العابدین (علیه السلام) کیسه نان را شبانه به دوش می کشید و آن را صدقه می داد و می فرمود: «ان صدقه السرّ تطفيء غضب الرب»<sup>۲</sup>؛ صدقه پنهانی، خشم خدا را خاموش می سازد».

نوشته اند: هنگامی که امام به شهادت رسید و او را غسل دادند بر پشت او آثاری دیدند. از آن آثار سؤال کردند گفته شد: «امام کیسه های آرد را شبانه بر پشت خود حمل می کرد تا مخفیانه به فقرای مدینه برساند»<sup>۳</sup>.

به طوری که گفته شد مردم صدقه پنهانی را از دست ندادند تا زمانی که امام علی بن الحسین (علیه السلام) درگذشت.

روایت شده است امام علی بن الحسین (علیه السلام) برای حج از مدینه خارج گشت. خواهرش سکینه دختر امام حسین (علیه السلام) توشه ای به اندازه هزار درهم برای او تهیه کرد و وقتی که امام به منطقه حرّه رسید

۱. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۷۷؛ المناقب، ج ۴، ص ۱۵۳؛ بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۸۸.

۲. المناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۵۳؛ عوالی اللالی، ج ۲، ص ۷۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۱۸؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۷۷.

۳. عوالی اللالی، ج ۲، ص ۷۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۱۸؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۷۷.

### دستگیری از افتادگان

امام سجاد (علیه السلام) دلسوز نیازمندان و فرودستان بود. او بود که پس از حادثه جانسوز کربلا، بر زخم های شیعه، مرهم گذاشت. فقیران را نواخت و بدان ها دلسوزی و مهربانی نشان داد. در آن روزگار که شیعه، دل شکسته تر و فروخورده تر از همیشه روزگار می گذراند، دست های مهربان و بخشنده او بود که طعم شیرین هم دردی را در کام تلخ ایشان می چکاند.

از دیگر مناقب امام زین العابدین (علیه السلام) این است که وقتی به شهادت رسید بر مردم آشکار شد که صد خانواده از مردم مدینه نان خور او بوده اند و او نیازمندی هایشان را برآورده می کرد<sup>۱</sup>.

بر این مبنا، **محمد بن اسحاق** می گوید: «در مدینه مردمی بودند که زندگی می کردند ولی نمی دانستند که

آن را به امام رساند ولی امام آن را بين فقرا تقسيم کرد.<sup>۱</sup>

امام درباره خدمت به ديگران می فرمود: «کسی که یک نیاز برادرش را برآورد، خداوند صد نیازش را رفع می کند. کسی که اندوهی از دل برادرش بردارد، خداوند اندوه روز قیامت را از او برطرف می سازد، هر قدر هم که زیاد باشد. هرکس برادرش را که در مقابل ستمکار قرار گرفته، یاری کند، خدا او را در عبور از پل صراط یاری می کند، در وقتی که قدم ها می لغزد.

و کسی که به دنبال حاجت برادر مؤمنش برود و با برآوردن حاجتش او را مسرور سازد، چنان است که رسول خدا ﷺ را مسرور ساخته است. و هرکس او را سیراب کند، خدا او را از شراب سر به مهر بهشتی سیراب سازد. و هر کسی گرسنگی او را با طعام برطرف کند، خدا او را از میوه های بهشت سیر کند. و کسی که برهنگی او را با لباس بپوشاند، خدا او را با پارچه های زر و حریر بپوشاند. و اگر با اینکه برهنه نیست او را لباسی بپوشاند، پیوسته در حفظ خداست تا هنگامی که نخى از آن لباس بر تن او باشد. و کسی که امر مهم برادرش را کفایت کند، خداوند غلامان بهشتی را خدمت گزار او سازد. و کسی که او را بر مرکبی سوار کند، خدا او را در قیامت بر ناقه ای بهشتی سوار می کند که فرشتگان به آن می بالند.

۱. عوالی اللالی، ج ۲، ص ۷۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۱۹.

هرکسی مؤمنی را هنگام مردن کفن کند، گویا او را از روز ولادت تا مرگش پوشانده است. و هرکس او را همسری دهد که مایه انس و آرامش او گردد، خداوند برای او در قبرش مونسى به شکل محبوب ترین افراد خانواده اش قرار می دهد. و کسی که برادر مؤمن بیمارش را عیادت کند، فرشتگان دور او را می گیرند و برایش دعا می کنند تا هنگامی که از آن جا بیرون آید و به او می گویند: خوشا به حالت و بهشت گوارایت! به خدا سوگند برآوردن حاجت مؤمن در پیشگاه خدا محبوب تر از دو ماه روزه پی در پی با اعتکاف آن دو ماه در ماه حرام است»<sup>۱</sup>.

۱. ثواب الاعمال، ص ۸۱.

## میثاق امام / ۱۹

پس پولت را هم نگیر، چون من کسی نیستم که به وثیقه‌ام بی‌اعتنا باشم. به این ترتیب، غلام نخ را داد و پولش را گرفت.<sup>۱</sup>

### میثاق امام

امام سجاد علیه السلام در رفتارهای خود به جنبه تربیتی آن عمل نیز توجه داشت و تلاش می‌کرد تا ضمن انجام کاری، روش درست را نیز به شیعیان بیاموزد. در این راستا عباس بن عیسی می‌گوید: «علی بن الحسین علیه السلام دچار تنگنای مالی شد. روزی نزد یکی از غلامان آزاد شده‌اش رفت و از او ده هزار درهم قرض خواست، او تقاضای وثیقه کرد و امام نخی از عبایش کند و فرمود: این وثیقه من. غلام نپسندید و امام ناراحت شد و فرمود: آیا من به وفا سزاوارترم یا حاجب بن زراره؟ غلام گفت: شما. فرمود: چه شد که حاجب کمان چوبی‌اش را در مقابل صد شتر به یک کافر داد و به آن وفا کرد و من به نخ عبای خود وفا نمی‌کنم؟ غلام نخ را گرفت و در قوطی گذاشت و ده هزار درهم داد.

مدتی بعد امام پول را برگرداند و وثیقه‌اش را خواست. غلام گفت که آن را گم کرده است. امام فرمود:

---

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۳۶؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۲۱.

داشت، چگونه می شود کسی با خدای خویش پیوند نداشته باشد و بتواند چنین بزرگوارانه و کریمانه با خلق خدا ارتباط برقرار کند؟ چه انگیزه‌ای برای این گذشت و مهرورزی در او باقی می ماند؟ باید امید به ثوابی در میان باشد و اعتقاد به خدای مهربان، تا فرد با خلق خدا چنین مهربانی کند. با این حساب است که عبادت‌های توان فرسای او معنای بیشتری می یابد همچنان که نوشته اند: « روزی امام باقر علیه السلام بر امام زین العابدین علیه السلام وارد شد در حالی که در عبادت کسی به او نمی رسید. پس به خاطر شب زنده داری چهره او را زرد و چشمان او و پیشانی اش را فرو رفته و بینی اش را بر اثر سجود مجروح و پایش را به خاطر قیام، متورم شده دید. امام باقر علیه السلام می فرماید: در این هنگام از ترحم بر او نتوانستم برگریه خویش مسلط شوم. او بعد از اندکی تفکر متوجه وارد شدن من شد سپس فرمود: فرزندم! آن صحیفه ای را که در آن عبادت علی بن ابی طالب علیه السلام نوشته شده است نزد من بیاور تا آن را بخوانم. او مقدار کمی از آن خواند سپس آن را رها ساخت و فرمود: چه کسی توان عبادت علی بن ابی طالب علیه السلام را دارد<sup>۱</sup>.

او چنان مهربان بود که حتی آزارش به حیوانی نمی رسید و گاه از دهان موری نمی گرفت. علی بن ابراهیم

۱. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۸۵؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۴۱؛ مکارم الاخلاق، ص ۳۱۸؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۹۱.

## زالال احساس

امام سجاد علیه السلام بسیار مهربان بود. او به سادگی و بدون چشم داشت، از اشتباه دیگران می گذشت و بدین وسیله، هر روز در دل ها محبوب تر می شد. تا بدان جا که مردم مدینه، مهربان تر و با گذشت تر از او سراغ نداشتند.

روایت شده است: گروهی نزد امام مهمان بودند و خادم او غذای بریان کردنی را روی اجاق آماده می کرد. وقتی غذا را آورد سیخ های آهنی از دستش رها شد و بر سر یکی از کودکان امام ریخت و مرد. امام در حالی که غلام متحیر و مضطرب بود به او گفت: « برو که تو را آزاد کردم. زیرا تو به عمد چنین کاری نکردی ». سپس امام به غسل و کفن و دفن فرزندش پرداخت<sup>۱</sup>.

این همه مهربانی و گذشت با خلق خدا به خاطر پیوند عاشقانه ای بود که علی بن الحسین با خدای خویش

۱. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۵.

از پدرش نقل می‌کند: «سالی با علی بن الحسین علیه السلام به حج رفتم. هرگاه شتر او در راه نافرمانی می‌کرد امام تازیانه را بالا می‌برد اما بدون این که به شتر بزند، می‌فرمود: اگر ترس از قصاص نبود می‌زدم. سپس تازیانه را پایین می‌آورد».

گفتنی‌ها و شنیدنی‌ها در مهربانی و مهرورزی و گذشت آن پیشوای دو سرای بسیار است. روایت شده: روزی کنیزی برای وضو، آب بردست امام ریخت ولی بر اثر خواب‌آلودگی، آبریز از دست او ریخت و دست امام را مجروح کرد. امام سرش را بلند کرد و کنیز گفت: «خداوند می‌فرماید: ﴿وَالْكَافِرِينَ الْغَیْظُ﴾» کسانی که خشم‌شان را فرو می‌برند». امام فرمود: «خشمم را فرو می‌برم». کنیز گفت: «خدا می‌فرماید: ﴿وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾» و کسانی که از مردم در می‌گذرند». امام فرمود: «از تو گذشتم». کنیز گفت: «خدا می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾»<sup>۱</sup> خداوند نیکوکاران را دوست دارد». امام فرمود: «برو که تو را در راه خدا آزاد کردم»<sup>۲</sup>.

### نیکی به زیردستان

از عوامل مهمی که شخصیت والای حضرت سجاد علیه السلام را در منظر دیگران محبوب ساخته بود و اطرافیان، دوستان، غلامان و کنیزان آن حضرت با تمام وجود به امام عشق می‌ورزیدند، خصلت پسندیده‌گذشت و جوان‌مردی بود. امام صادق علیه السلام فرمود: «در طول ماه مبارک رمضان، حضرت علی بن الحسین علیه السلام با غلامان و کنیزان و سایر زیردستان خود روش عفو و گذشت به کار می‌گرفت به این ترتیب که هرگاه غلامان و کنیزان آن حضرت خطایی را مرتکب می‌شدند، آنان را تنبیه نمی‌کرد.

آن حضرت فقط خطاها و گناهان آنان را در دفتری ثبت کرده و تخلّفات هرکس را با نام و موضوع آن مشخص می‌نمود. در آخر ماه همه آنان را جمع کرده و در میان آنان می‌ایستاد. آن گاه از روی نوشته، تمام خطاها و اشتباه‌هایشان را که در طول ماه رمضان مرتکب شده بودند

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۳۴.

۲. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۸۷؛ مشکاة الانوار، ص ۱۷۸؛ المناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۵۷؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۷۹.

یادآور می‌شد و به تک‌تک آنان می‌فرمود: فلانی! تو در فلان روز و فلان ساعت تخلفی کردی و من تو را تنبیه نکردم، آیا به یاد می‌آوری؟ فرد خطاکار هم می‌گفت: آری ای پسر رسول خدا. و تا آخرین نفر این مطالب را متذکر می‌شد و آنان به اشتباه‌های خود اعتراف می‌کردند.

آن‌گاه به آنان می‌فرمود: حالا با صدای بلند به من بگوئید: ای علی بن الحسین! پروردگارت تمام اعمال و رفتار تو را نوشته است چنان که تو اعمال ما را نوشته‌ای، نزد خداوند نامه اعمالی هست که با تو به حق سخن می‌گوید و هیچ عمل ریز و درشتی را فروگذاری نمی‌کند و هرچه انجام داده‌ای، به حساب آورده و تمام اعمال را نزد او حاضر و آماده خواهی یافت، هم‌چنان که ما اعمال خود را در نزد تو آماده و ثبت شده دیدیم. پس ما را ببخش همان طور که دوست داری خدا تو را ببخشد. ای علی بن الحسین! به یاد آر، آن حقارت و ذلتی را که فردای قیامت در پیشگاه خدای حکیم و عادل خواهی داشت. آن پروردگار عادل و حکیمی که ذره‌ای و کمتر از ذره‌ای به کسی ستم روا نمی‌دارد و اعمال بندگان را هم‌چنان که انجام داده‌اند، به آنان عرضه خواهد کرد و حساب‌گری و گواهی خدا کافی است. پس ببخش و عفو کن تا مالک روز قیامت از تو عفو کرده و درگذرد، چنان که خودش در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ

غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۱</sup> «باید ببخشند و عفو کنند، آیا دوست ندارید خداوند شما را بیامرزد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است».

امام سجاد (علیه السلام) این کلمات را برای خویش و غلامان و کنیزانش تلقین می‌کرد و آنان با هم تکرار می‌کردند و خود امام (علیه السلام) که در میان آنان ایستاده بود، می‌گریست و با لحنی ملتسمانه می‌گفت: «رَبِّ! إِنَّكَ أَمَرْتَنَا أَنْ نَغْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمْنَا، فَتَحْنُ قَدْ عَفَوْنَا عَمَّنْ ظَلَمْنَا كَمَا أَمَرْتَ، فَأَعْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا وَمِنَ الْمَأْمُورِينَ؛ پروردگارا! تو به ما فرمودی از ستمکاران خویش درگذریم، همان طور که فرمودی، ما از کسانی که به ما ستم کرده‌اند، در گذشتیم، تو هم از ما درگذر! که در عفو کردن از ما و از تمام مأموران برتری».

پس از آن، امام سجاد (علیه السلام) خطاب به خدمت‌گزاران خویش می‌فرمود: من شما را عفو کردم، آیا شما هم من و بدرفتاری‌های مرا که فرمان‌روای بدی برای شما و بنده فرومایه‌ای برای فرمان‌روای بخشاینده عادل و نیکوکار بوده‌ام، ببخشید؟

همگی یک‌صدا می‌گفتند: با اینکه ما از تو، جز خوبی ندیده‌ایم، تو را ببخشیدیم. آن‌گاه به آنان می‌فرمود: بگوئید: خداوند! از علی بن الحسین (علیه السلام) درگذر! همان‌طور که او از ما در گذشت. او را از آتش جهنم آزاد کن، همان‌طور که او ما را از بردگی آزاد کرد.

۱. سوره نور، آیه ۲۲.

آنان دعا می کردند و امام عليه السلام آمین می گفت و در پایان می فرمود: بروید! من همه شما را عفو کردم و آزادتان می کنم به امید اینکه خدا نیز عفو کرده و آزادم کند»<sup>۱</sup>.

امام صادق عليه السلام فرمود: «علی بن الحسین عليه السلام هرگاه به مسافرت می رفت، سعی می کرد با کاروانی سفر کند که او را شناسند و شرط می کرد که در طول سفر یکی از خدمت گزاران به هم سفرانش باشد. یک بار که با افرادی ناشناس به مسافرت رفته بود، مردی آن حضرت را دیده و شناخت، بعد به دیگر دوستانش گفت: آیا می دانید این مرد که به شما خدمت می کند، کیست؟ گفتند: نه، نمی شناسیم. آن مرد گفت: او علی بن الحسین عليه السلام است! اهل کاروان که این جمله را شنیدند و امام را شناختند، از جای خود برخاسته و دست و پای حضرتش را بوسیدند و عرضه داشتند: ای فرزند رسول خدا! آیا می خواستی ما را آتش جهنم فرا گیرد؟! اگر خدای نکرده از دست و زبان ما خطایی سر می زد و به شما جسارتی می کردیم، آیا ما تا ابد هلاک نمی شدیم؟! چه باعث شد که شما به صورت ناشناس به ما خدمت کنید؟

امام سجاد عليه السلام می فرمود: هنگامی که من با عده ای آشنا به مسافرت رفتم، آنان به خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله بیش از استحقاق من، برایم خدمت کرده، عطوفت و مهربانی

۱. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۴.

نثارم کردند. به همین جهت، به صورت ناشناس آمدم که مبادا شما نیز بیش از حد بر من احترام کنید و ناشناس بودن را بهتر می پسندم»<sup>۱</sup>.

روایت شده: روزی امام سجاد عليه السلام دو بار غلامش را صدا زد ولی غلام، جواب او را نداد و بار سوم او را جواب داد. امام به او فرمود: «فرزندم! آیا صدای مرا نشنیدی؟» غلام گفت: «چرا شنیدم». امام پرسید: «پس چرا جواب مرا ندادی؟» غلام گفت: «چون خود را از عقوبت تو در امان می بینم». امام فرمود: «سپاس خدایی را که غلامانم خودشان را از من در امان می بینند»<sup>۲</sup>.

او همواره قیامت و حساب رسی اعمال را پیش چشم داشت و از بیم آن روز بزرگ، خدا قلب او را هر روز مهربان تر می ساخت. روز جزا چیزی نبود که او آن را لحظه ای فراموش کند.

روایت شده غلام علی بن الحسین عليه السلام مرتکب گناهی شد که مستحق مجازات بود. امام تازیانه به دست گرفت و فرمود: «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ<sup>۳</sup>؛ به کسانی که ایمان آورده اند بگو تا از کسانی که به روزهای پیروزی خدا امید ندارند در گذرند». مرد گفت: «ولی من این گونه نیستم! من به رحمت خدا امیدوار و از عذاب او

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۳۰.

۲. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۸۷؛ مشکاة الانوار، ص ۱۷۸؛ اعلام الوری،

ص ۲۶۱؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۵۶.

۳. سورة جاثیه، آیه ۱۴.

می ترسم». امام تازیانه را به زمین انداخت و فرمود: «تو را آزاد ساختم»<sup>۱</sup>.

امام راضی به قضای الهی بود و همین طبع او را برافراشت. فرزندی از آن امام همام از دنیا رفت ولی او فریاد و بی تابي نکرد. از او در این باره سؤال کردند. امام فرمود: «این امری است که منتظر آن بودیم پس هنگامی که اتفاق افتاد آن را بد نمی دانیم»<sup>۲</sup>.

امام همواره حرمت انسان ها را چه آزاد و چه برده، حفظ می کرد. نقل شده است: هرگاه می خواست مسافرت کند، دو رکعت نماز می خواند، آن گاه سوار مرکب می شد. اگر غلامانش برای نوافل هنوز مانده بودند، منتظر آنها می ایستاد. بعضی می پرسیدند: چرا آنها را از این کار منع نمی کنید؟ می فرمود: دوست ندارم بنده ای را از نماز خواندن منع کنم. من سنت (نوافل) را دوست دارم.

و زمانی بر گروهی از بیماران جذامی می گذشت در حالی که آنها سفره شان را پهن و از او دعوت کرده بودند، فرمود: «اگر روزه نبودم، [دعوت شما را] اجابت می کردم». آن گاه وقتی به خانه رفت، غذای مناسبی درست کرد و آنها را دعوت نمود و با آنها مشغول غذا خوردن شد<sup>۳</sup>.

۱. کشف الغمة، ج ۲، ص ۱۰۱؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۰.

۲. کشف الغمة، ج ۲، ص ۱۰۸؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۱.

۳. المحاسن و المساوی، ج ۱، ص ۱۲۳.

### صدقه صبحگاهی

امام همواره برای زندگی خود تلاش می کرد و بار خود را به دوش دیگران نمی انداخت. نوشته اند مردی امام را دید. نزدیک آمد و از ایشان پرسید: «یابن رسول الله! در این هوای تاریک کجا می روید؟» امام در پاسخش فرمود: «از خانه بیرون آمده ام تا برای خانواده ام صدقه ای بدهم». مرد پرسید: «چگونه می خواهید برای خانواده تان صدقه بدهید؟» امام فرمود: «هرکس برای امرار معاش خانواده خود تلاش کند تا روزی حلالی به دست آورد، این کار و تلاش برای او در پیشگاه پروردگار، صدقه به شمار می آید»<sup>۱</sup>.

۱. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۶۷.